در "نوروز سبز" عکس های ماندگار بگیریم

◄ با بهره گیری از رسانه عکس می توان پیام های خاص را به سوی مخاطبان گسیل داشت .

◄ عکس یا همان قاب دوربین درنگاهی گنجانده می شود که نگرش و دیدگاه خاص عکاس به سوژه است که کادر ، زاویه دید عکاس ، زاویه دید سوژه ، پس زمینه ها و ... مکمل تصویرگرند که نوع نگاه به سوژه از اهمیت خاصی برخوردار است .

عکس : علیرضا بهاری

عکس به عنوان یک اثری ثابت و قابل دسترس هم در قالب عکس های یادبودی و هم عکس هایی از مناظر ، اماکن و ... می تواند باشد .

امروزه عکس ها حرف اول و آخر را می زنند و به عنوان بیان کننده واقعیت های یک پدیده بیشترین ارتباط را می تواند برقرار نماید و می توانند رویدادهایی که به صورت روزمره در اطراف زندگی عادی مردم می گذرد را به تصویر بکشد .

تصویر ثابت یا همان عکس در عین آن که یک کالا ی هنری است و محصول تخیل و تعقل یک هنرمند است ، یک رسانه نیز هست .

با بهره گیری از رسانه عکس می توان پیام های خاص را به سوی مخاطبان گسیل داشت .

عکس یا همان قاب دوربین در نگاهی گنجانده می شود که نگرش و دیدگاه خاص عکاس به سوژه است که کادر ، زاویه دید عکاس ، زاویه دید سوژه ، پس زمینه ها و ... مکمل تصویرگرند که نوع نگاه به سوژه از اهمیت خاصی برخوردار است .

حال که امروز دوربین هایی با نام دوربین دیجیتالی در اختیار مان است و امکان عکاسی را در کمترین زمان ممکن را به ما می دهد و می توانیم عکس هایی را ثبت نماییم که هم معانی عاطفی و هم پیام های فرهنگی ، اجتماعی داشته باشد .

اگر به این نکته برسیم که عکس زبان گویای بدون هیاهوست بهتر می توانیم عکس بگیریم و چه بسا کمک شایانی به این عمل می نماید و عکس هایی با هویت و گویا را به خودمان ثبت می نماییم .

از این پس واژه هایی همچون کادر ، نگاه خاص ، زاویه دید ، سوژه ، پس زمینه و ... را به یاد می سپاریم و به آنچه که تماشا می کنیم با هدف و معنای خاصی نگاه کنیم و بسنده به عکس های عادی نکنیم بلکه عکس هایی بگیریم که هم صحبت ما شوند .

بهار ایران مبارک باد

◄ نوروز ، عید ملی وگرامی ما یا عید جشن و ضیافت طبیعت در آغاز بهار از فلسفه عمیق این عید حکایت دارد . یکی از عناصر اصلی و اصیل فرهنگ و تمدن ایرانی ، وابستگی و پیوند ناگسستنی انسان و طبیعت است ؛ حقیقت والا یی که تمدن غربی تازه دارد کشفش می کند ، آن زنان و مردان متفکری که آتش را گرامی داشتند ، به نیالودن و پاک نگهداشتن آب فرمان دادند ، کاشتن درخت را یک وظیفه مذهبی پنداشتند و شکستن آن را گناهی نابخشودنی شمردند

سالی پر بار را به امید سالهایی پر بار تر پشت سر می گذاریم . «نوروز» ی دیگر، نوروزی مبارک تر فرا رسیده است .

پدران و مادران ما ، مردان و زنانی که هزاران سال بر پهنه این خاک عزیز تخم ها برافشاندند و درخت ها برنهادند و گلها پروردند و کشتند و درو کردند ، بی شک انسان هایی اندیشمند ، خوش ذوق و شاعر مسلک بودند که نخستین روز بهار را عید ملی ایران و ایرانیان قرار دادند .

در جهان عیدی خوش تر از نوروز ما وجود ندارد .

این عید را ملت ما هر سال ، همراه با طبیعت شکوفان ، جشن می گیرند ، همراه با بیداری خاک ، جوشش آب از چشمه ساران ، شکفتن گلها و همراه با طبیعتی که جامه سبز بر تن می کند و آفتابی که گرم تر و مهربان تر می تابد .

نوروز، عید ملی وگرامی ما یا عید جشن و ضیافت طبیعت در آغاز بهار از فلسفه عمیق این عید حکایت دارد .

یکی از عناصر اصلی و اصیل فرهنگ و تمدن ایرانی ، وابستگی و پیوند ناگسستنی انسان و طبیعت است ؛ حقیقت والا یی که تمدن غربی تازه دارد کشفش می کند ، آن زنان و مردان متفکری که آتش را گرامی داشتند ، به نیالودن و پاک نگهداشتن آب فرمان دادند ، کاشتن درخت را یک وظیفه مذهبی پنداشتند و شکستن آن را گناهی نابخشودنی شمردند ، در جهان تکنولوژی امروز که بشریت دارد تاوان بی احترامی خود را نسبت به عناصر طبیعت می پردازد .

اما امروز می بینیم و می دانیم نوروز گرامی پیروزمندانه از خزان پاییزی و برفهای سنگین زمستانی گذر کرده و پیروزمندانه در راه است، تا ایران زنده است نوروز همچنان پا بر جا خواهد ماند .

من هر بار که به نوروز اندیشیده ام، نتوانسته ام از اندیشیدن راز بقای ملت عزیزمان خودداری کنم . بقا و ماندنی که به راستی خود معجزه ای است .

« معجزه » می گویم و به مفهوم عمیق این کلمه آگاهم ، کمتر ملتی به اندازه ملت ایران مورد حمله و هجوم و تاخت و تاز بیگانگان و متجاوزان بوده است ، از اسکندر بشمارید تا هلاکو و چنگیز و ترک و تاتار و روس و انگلیس و ...

همه این متجاوزان به فراست دریافته بودند که تا فرهنگ و تمدن و سنن ایرانی زنده است، ایران با بهاران همیشه بهارش زنده خواهد ماند .

اسکندر آتش بر تخت جمشید می زد و اعراب آب حمام های نیشابور را با سوزاندن کتابهای ایران گرم می کردند ، اما اسکندرها و هولاکوها و چنگیزها و نواده ها و نبیره های آنان از همه ملیت ها آمدند و رفتند و «نوروز » گرامی همچنان زنده مانده است .

من هر بار که به نوروز اندیشیده ام، فریاد قهقهه « جمشید » پادشاه کیانی را از پشت دیوارهای بلند تاریخ شنیده ام ، طنین قهقهه تمسخر آمیز او نسبت به اسکندر آتش افروز هر روز در گوش من می پیچد .

تاراجگر یونان می پنداشت که اگر آتش در تخت جمشید در اندازد میراث " جمشید " را به دست فنا سپرده است . اما از این حقیقت تاریخی غافل بود که میراث مردان بزرگ خشتی بر روی خشتی دیگر نهادن نیست ، عمارت هر چه محکمتر و استوار تر سرانجام روزی فرو می ریزند اما یک میراث دیگر وجود دارد که اگر به دست فرزندان اهل برسد هرگز نابود نمی شود و این میراث " اندیشه ها" است .

رسم و سنت نوروز عزیز، ثمره اندیشه ای عمیق و فیلسوفانه است و درست از همین است که از پشت قرن ها و قرن ها زنده مانده است ... دیگر من باید زبان درکشم و سخن را به استاد سخن فردوسی نامدار واگذارم ؛

به فرکیانی یکی تخت ساخت
چه ساید بدو گوهر اندر نساخت
که چون خواستی دیر برداشتی
زهامون به گردون برافراشتی
چو خورشید تابان میان هوا
نشسته بر او شاه فرمانروا
جهان انجمن شد بر تخت او
فرومانده ازفره بخت او
به جمشید بر گوهر افشاندند
سرآن روز را « روز نو » خواندند
سر سال نو هرمز فرودین
برآسود از رنج تن دل زکین
بزرگان به شادی بیاراستند
می و جام و رامشگران خواستند
چنین جشن فرخ از آن روزگار
بمانده از آن خسروان یادگار

ملت ما هم اکنون در حال خانه تکانی است ، خانه تکانی دل از رنج اغیار از کرده های ناسوده و از گلایه های چه بسیار ، این ایران ملی ماست که هر سال با آمدن بهار ایرانی نو بسازیم ، اما به معیارها و ارزش های ایرانی .

در این راه هم سلاح هایی بس نیرومند داریم ، چون یادگار ها ومیراث های فرهنگی و هم دشمنانی داریم به دلیل نیاز به تکنولوژی جدید ، از هر سو در حلقه محاصره فرهنگ غربی نیز قرار گرفته ایم و در این مرحله تاریخی ویژه ، اگر آگاهانه به گذشته خود نیندیشیم ، در دامی خواهیم افتاد که بسیاری از ملت ها در آن افتاده اند و مزه تلخش را هم چشیده اند .

وظیفه عمده نسل ها در شرایط خاص امروز ، حفظ و نگهداری و پاسداری سنت هایی است که هنوز زنده مانده اند و از آن جمله سنت گرایی عید " نوروز " است .

نیک بدانیم ، نهضت گلها در آغاز بهار می باید نهضت اندیشه ها نیز باشد که آیینه دل از غبار کینه ها و قهرها پاک کنیم ، به دوستی ها و مهرها و آشتی ها بپیوندیم .

در " نوروز " در روز نو به روزگار نوین بیاندیشیم که در میهن پاک ما آغاز شده است ،روزگار یگانگی همه ایرانیان .

در آغازین روز نو برخیزیم و دیوان حافظ و خیام را میزبان باشیم و خیام وار بیندیشیم که «هر که نوروز جشن کند و به خرمی پیوندند تا نوروز دیگر همه در شادی و خرمی گذراند .

عمرتان همواره خرم باد و نوروز بر شما مبارک .

ف دبیری (فراز)

رستوران های بین راهی

غذا بخوریم یا نخوریم

◄ همیشه غذای رستوران های بین راهی بی کیفیت است و انگار غذای سه هفته پیش را مکرر داغ کرده اند و به مسافر داده اند.

◄ اکثر رستوران ها با راننده ها را بطه خوبی دارند . قسمت هایی را هم دارند که مخصوص راننده هاست و غذای بهتری به آنها می دهند.

هر کدام از شما ممکن است وقتی با اتوبوس به مسافرت می روید در رستوران های بین راهی غذا خورده باشید. شاید هم وقتی نام رستوران بین راهی برده می شود، احساس خاصی پیدا کنید. شاید هم با خود غذای آماده همراه می برید. آنچه مهم است اینکه غذا خوردن در طول مسافرت کاری پراهمیت است و اگر نسبت به نوع غذای مسافر سهل انگاری یا کوتاهی شود مسافرت به کاری عذاب آور و زحمت افزا تبدیل می شود.

اخیراً برخی از شرکت های مسافربری در میانه راه های برون تهران اقدام به تاسیس رستوران های مدرن کرده اند که در آن غذای سالم و خوب به مسافران ارائه می کنند. اما تعداد این رستوران های مدرن از تعداد انگشتان یک دست هم تجاوز نمی کند. بنابراین بی اساس نیست اگر به میان شما مسافران پایانه ها بیاییم و بپرسیم در طول مسافرت چه می خورید؟ !

"احمد مهدی" که مسافر مشهد است می گوید:من اغلب غذای توراهی نمی خورم ،کتلت یا سالادالویه به همراه خودم می برم.

او در مورد رستوران های بین راه نظر دیگری دارد : تنها یک بار در رستورانی در بین راه غذا خوردم . کیفیت غذا بسیار بد بود و این مساله باعث شد که هرگز این اشتباه را تکرار نکنم.

"مجتبی زیاری" که دانشجوی دانشگاه مشهد است نیز می گوید: در رستوران های بین راهی اصلاً غذا نخورده ام . البته یک بار همراه پدرم در رستورانی غذا خوردیم که به خاطر برخورد بد و توهین آمیز کارکنان رستوران، پدرم با آنها دعوای لفظی کرد.

او ادامه می دهد: همیشه غذای رستوران های بین راهی بی کیفیت است و انگار غذای سه هفته پیش را مکرر داغ کرده ا ند و به مسافر داده اند.

او معتقد است: اکثر رستوران ها با راننده ها را بطه خوبی دارند . قسمت هایی را هم دارند که مخصوص راننده هاست و غذای بهتری به آنها می دهند. مسافر هم تابع راننده است و رستوران هم بیشتر نظر راننده را تامین می کنند. به طوری که راننده فقط در مقابل رستوران ها توقف می کند.

او پیشنهاد می دهد که رستوران های بین راه به رستوران های زنجیره ای تبدیل شود که روی آنها نظارت و کنترل بهتری اعمال شود تا عمدتاً سرویس دهی به مسافر هم متفاوت از الان باشد.

"علی غفاری" که سه سال است دانشجوی دانشگاه شاهرود است می گوید: من مسافرتم کوتاه است و سعی می کنم غذا با خودم نبرم اما یک بار در رستوران های بین راهی غذا خوردم و مسموم شدم.

او می گوید: اگر یک بازرس بگذارند که به کار رستوران های بین راهی نظارت کند، حتماً وضعیت رستوران ها بهتر می شود.

"احمد آقاجردی" مسافر همیشگی تهران - کرمانشاه هم می گوید: من چون همیشه رفت و آمد می کنم،مجبورم غذای توراهی بخورم اما رستوران ها اصلاً کیفیت خوبی ندارند و کثیفند و لباس کارگران رستوران ها پر از لک و چرک است.

"پیروز حسینی" مسافر شاهرود است. او همیشه غذا را با خود به همراه می برد و اغلب اوقات ساندویچ های مادرش را ترجیح می دهد.

او می گوید: رستوران های بین راه باید بازسازی شوند و بهداشت باید در آنها بیشتر رعایت شود.

"محمد سلیمی" مسافر مشهد می گوید: سعی می کنم غذا را همیشه با خود ببرم. به رستوران های بین راهی نمی شود اعتماد کرد . خودم مدت ها آشپز بودم و برای همین می دانم که با چه بی نظمی در رستوران ها غذا درست می شود و کیفیت اصلاً در آنها رعایت نمی شود. نظارت مطلوبی در رستوران ها نیست . شما برای یک بار از آن رستوران گذر می کنید و برای همین برای صاحب رستوران اصلاً مهم نیست که با چه کیفیتی به شما امکانات و غذا بدهد . برخورد کارکنان رستوران ها هم مطلوب نیست .

من بارها از غذای رستوران ها ناراضی بودم. اما کسی نبود که در این مورد رسیدگی کند و همین باعث می شود رستوران های بین راهی اصلاح نشود.

اما نظر راننده ها نیز خواندن دارد:

"خسروی"که راننده تعاونی سیر و سفر است می گوید: ما اتوبوس های سریع السیر اغلب در رستوران های بین راهی نگه نمی داریم . به خصوص در مسیرهای کوتاه تر. اما جدیداً شرکت خودش بهترین رستوران ها را انتخاب و به ما معرفی می کند و ما برای راحتی مسافران به آنجا می رویم.

"حسن اخگرنیا" که او هم راننده تعاونی سیر و سفر است ، می گوید: مسیر من نزدیک است و تا اراک چندان رستورانی در طول راه نیست که توقف کنم اما سعی می کنم در صورت توقف ، رستورانی تمیز با غذاهایی سالم را انتخاب کنم.

برگرفته از ویژه نامه نوروزی پلیس آگاهی